

## باب هفتم

در نهی از معاشرت با اشرار و مظاهر شیطان

## در کلمات مبارکه مکنونه میفرماید قوله تعالی:

"ای پسر من، صحبت اشرار غم بیفزاید و مصاحبت ابرار زنگ دل بزدايد من اراد ان یأنس مع الله فلیأنس مع احبائه و من اراد ان یسمع کلام الله فلیسمع کلمات اصفیائه."

"زینهار ای پسر خاک، با اشرار الفت مگیر و مؤانست مجو که مجالست اشرار نور جانرا بنار حسابان تبدیل نماید."

"ای پسر کنیز من، اگر فیض روح القدس طلبی با احرار مصاحب شو زیرا که ابرار جام باقی از کف ساقی خلد نوشیده‌اند و قلب مردگانرا چون صبح صادق زنده و منیر و روشن نمایند."

## و در لوح دیگر میفرماید قوله تعالی:

"بسا از نفوس که خود را بحق نسبت داده و سبب تضييع امرالله شده‌اند اجتناب از چنین نفوس لازم...."

## در لوح حکیم داود از قلم مرکز میثاق جلّ ثنائه نازل قوله العزیز:

"ای بنده حقّ، مکتوب شما رسید و بر مطلب اطلاع حاصل شد. در خصوص معاشرت با سایر ادیان سؤال نموده بودید بنصّ کتاب اقدس عاشروا الادیان بالروح و الریحانست. مقصد از این بیان آنست که اهل بهاء با هیچ طایفه غرض و مرضی نداشته باشند با کلّ بمحبت حرکت نمایند و تنجیس ننمایند و اجتناب نکنند. و همچنین در الواح الهی میفرمایند لا تکنونوا مع الذین قاسیة قلوبهم عن ذکر الله از آن آیه مقصود این نیست که با نفوسیکه در نهایت بغض و عداوتند و در غایت ضلالت و جهالت و جمیع اذکارشان القاء شهات و ارتیاب در امر ربّ الآیات بقسمیکه شب و روز بطعن مشغول و بالقاء شهات مألوف و بغضشان ظاهر با آنها شب و روز مألوف شوید و معاشرت و الفت کنید بلکه مراد معاشرت با نفوسی است که از آنها مضرت حاصل نشود. مثلا بسیار ملاحظه شد که نفوسی در نهایت محبت و انجذاب و روح و ریحان بوده با طبیعیون و اهل فسق

الفت و معاشرت نمودند بکلی عاقل و باطل گشتند حتی در ارض مقدّس یک دو جوان را پروتستانها بعنوان تعلیم لسان بخانه خویش بردند و بعضی اسباب نامشروع مثل معاشرت نسوان فراهم آوردند نزدیک بود که بکلی آنانرا بواسطه این وسایل منحرف نمایند. این عبد منع نمود بلکه از عکّا بجای دیگر فرستاد. در اینمقام لا تکنونوا مع الذین قاسیة قلوبهم عن ذکر اللّٰه. با وجود این ما کسی را منع نکردیم از معاشرت کسی جز این قبیل ولی حضرات ناقضین منع کردند بلفظ میگویند عاشروا الادیان بالزّوج و الرّیحان اما بعمل طفل پنجساله را نمیگذارند نزدیک ما بیاید مگر نفوسی را که مطمئن هستند که در غلّ و بغضا بدرجه ای هستند ولو تأتیم بکلّ آیه لن یؤمنوا بها. ای بنده الهی اطفال را باید از مجالست اقران سوء اهل نفس و هوی محافظت نمود زیرا سوء اخلاق سرایت نماید و این مانع از عاشروا الادیان نیست."

### حضرت عبدالهّاء جلّ ثنائه در لوح عمومی امریکا میفرمایند قوله جلّ ثنائه:

".... جمالبارک در جمیع الواح و رسایل احبّای ثابت را از مجالست و معاشرت ناقضان عهد باب منع فرمود که نفسی نزدیکی بانان نکند زیرا نفسشان مانند سمّ ثعبان میماند فورا هلاک میکند. از جمله در کلمات مکنونه میفرماید مصاحبت ابرار را غنیمت دان و از مرافقت اشرار دست و دل هر دو بردار. و خطاب باحبّاء میفرماید که معلوم آنجناب بوده که زود است شیطان در قمیص انسان در آن ارض وارد شود و اراده نماید که احبّای جمال سبحان را بوساوس نفسیّه و خطوات شیطانیه از صراط عزّ مستقیمه منحرف سازد و از شاطی قدس سلطان احدیه محروم نماید. این است از خبرهای مستوره که اصفیاء را بان آگاه فرمودیم که مبادا بمجالست آن هیاکل بغضیه از مقام محمود ممنوع شوند. پس بر جمیع احبّاء اللّٰه لازم که از هر نفسیکه رائحه بغضا از جمال عزّ ابهی ادراک نمایند از او احتراز جویند اگر چه بکلّ آیات ناطق شود و بکلّ کتب تمسّک جوید الی ان قال عزّ اسمّه پس در کمال حفظ خود را حفظ نمایند که مبادا بدام تزویر و حيله گرفتار آیند. این است نصیح قلم تقدیر. و در خطاب دیگر میفرماید پس از چنین اشخاص اعراض نمودن اقرب طرق مرضات الهی بوده و خواهد بود چه که نفسشان مثل سمّ سرایت کننده است و در خطاب دیگر میفرماید ای کاظم چشم از عالمیان بیوش و ماء حیوان عرفانرا از ید غلمان سبحان بنوش و گوش بمزخرفات مظاهر شیطان مده چه که الیوم مظاهر شیطانیه بر مراصد صراط عزّ احدیه جالسند و ناسرا بکلّ حیل و مکر منع مینمایند و زود است که اعراض اهل بیانرا از مظهر رحمن مشاهده نمائی. و در خطاب دیگر میفرماید بسیار در حفظ نفس خود سعی نمائید چه که شیاطین بلباسهای مختلفه ظاهر شوند و بهر نفسی بطریق او برآیند

تا آنکه او را بمثل خود مشاهده نموده بعد او را بخود وا گذارند. و در خطاب دیگر میفرماید هر نفسیکه از او غلّ غلام استشمام نمائید از او اعراض کنید اگر چه بزهد اولین و آخرین ظاهر شود و یا بعبادت ثقلین قیام نماید. و همچنین در خطابی دیگر میفرماید ایمهدی جمیع باینکلمات مطّلع شده از مظاهر سجّینیّه و مطالع نمرودیّه و مشارق فرعونیه و منابع طاغوتیه و مغارب جبتیه اعراض نمایند. و همچنین میفرماید قل ان یا احبائی ثمّ اصفیائی اسمعوا نداء هذا الحبيب المسجون فهذا السجن الاکبر ان وجدتم من احد اقلّ من ان یحصی روائع الاعراض فاعرضوا عنه ثمّ اجتنبوه تا آنکه میفرماید لاّتهم مظاهر الشّیطان. و در خطابی دیگر میفرماید و بمنظر اکبر ناظر باشید عنقریب روائع منتنه خبیثه بر آن دیار مرور نماید انشاء الله در آن ایام محفوظ مانید. و همچنین میفرماید صحبت اشرار غم بیفزاید و مصاحبت ابرار زنگ دل بزاید من اراد ان یأنس مع الله فلیأنس مع احبائه و من اراد ان یسمع کلام الله فلیسمع کلمات اصفیائه. و همچنین میفرماید با اشرار الفت مگیر و مؤانست مجو که مجالست اشرار نور جانرا بنار حسبان تبدیل نماید. اگر فیض روح القدس طلبی با احرار مصاحب شو زیرا که ابرار جام باقی از کف ساقی خلد نوشیده‌اند. و همچنین میفرماید رأس الدّلة هو الخروج عن ظلّ الرّحمن و الدّخول فیظلّ الشّیطان ..... " الخ

( این لوح مبارک بسیار مفصّل و تمام آن راجع بهمین موضوع است )